

کیستم من؟

می کنی از رب ظهورم را طلب
با مشامت حس نمودی بوی من
میهمان ، عمری سر خوان منی
نام من بر لوح قلبت می کنی
گه بسوزانی دل ناشاد من
ساعتی با نفس و اهریمن خوشی
گاه بنمایی به اعداء دوستی
آمدی اندر حریمم تاختی
مصطفی و حیدر و زهرا منم
وارث خون حسین و عترتم
وارث غم خانه ی غربت منم
از خلائق من غریب عصر خویش
با تو هستم، ای همیشه ناسپاس
بارها دیدی مرا نشناختی
تو جواب من ندادی یک کلام
مست اغیار منی غافل زمن
گریه کردم بر تبه کاری تو
با عدوی من چرا داری تماس
شرمسارو منفعل گردیده ام
آمدی بر روی من سیلی زدی
عقده بود و در گلویم مانده بود
هر چه هر چه کردی آن گذشت
باب مهر دیگری را باز کن
روز و شب ما را بود فکر فرج
ما به تو شوق ولایت داده ایم
ما چو یک مادر به پایت سوخته ایم
ما تو را با هر بدی هم می خریم
ما تو را مشمول احسان می کنیم
ما برای خود جدایت می کنیم
در قیامت کی رهایت می کنیم
ما به تو تاج شفاعت می دهیم

کیستم من ، ای که در هر روز و هر شب
کیستم من ، دیده ای تو روی من
کیستم من ، غرق احساس منی
کیستم من ، لاف حبم می زنی
کیستم من ، برده ای تو یاد من
کیستم من ، لحظه ای با من خوشی
کیستم من ، گاه با ما دوستی
کیستم من ، قدر من نشناختی
کیستم من ، وارث طه منم
کیستم من ، مبتلای غیبتم
کیستم من ، یاسمین گلشن عترت منم
کیستم من ، من طرید عصر خویش
کیستم من ، ای به حقم ناسپاس
بارها در غصه ام انداختی
بارها دیدم تو را کردم سلام
بارها دیدم که در هر انجمن
بارها دیدم گنه کاری تو
بارها شد بر تو کردم التماس
بارها جای خجل گردیده ام
بارها با هر گناه و هر بدی
بس کنم دیگر من این گفت و شنود
هر چه بود ایام آن دوران گذشت
حالیا! از نو عمل آغاز کن
نیستی تنها تو در فکر فرج
ما به تو مهر و محبت داده ایم
ما به تو هجران و وصل آموختیم
ما تو را آخر به جنت می بریم
ما تو را خندان و گریان می کنیم
ما تو را اصل هدایت کرده ایم
ما که هر کاری برایت می کنیم
ما به تو آخر سعادت می دهیم